آخوند ملا اسماعیل ...

آخوند ملا محمد علی ...

این کتاب مال قاسم ولد مشهدی ملا بابا ... بتاریخ ۳ ربیع الاول

زلزال لرزه را گویند

سنه ۱۳۰۵



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

ناقص الآخر

نام کتاب: شرح عوامل (ترجمه)

مؤلف متن: ملا محسن قزوینی محشی:

شارح: نظرعلی بن محسن گیلانی مترجم: —

تاریخ تحریر: نوع خط: شکسته نستعلیق تعداد سطر: مختلف السطر

موضوع: نحو زبان: عربی - فارسی عدد اوراق:

طول ۱۸ عرض ۱۱ شماره عمومی ۲۹۲۳۵

وقفی / خریداری: حاج آقا نیری

تاریخ وقف: ۱۳/۱۲ هوش نام کاتب:

ملاحظات: ذیلاً یک نسخه ضمیمه دارد.

هر طرف که او حالی صفت یا خبر است   الیه بدان لغو که او مستقر است

هدا

هذا کتاب شرح العوامل ملا محسن

بسم الله الرحمن الرحیم

احمدک یا من رفع صالح العمل واصلی علی نبیک محمد

وآله المنبی لهم کرامة المحل اما بعد النحو علم باصول

ترکیب احمد فعل ضمیر فاعل ک مفعول یا حرف ندا من موصوله لفظ
مبنی بر سکون محلاً منصوب است نا منادا او هو بلند رفع فعل ضمیر فاعل
صالح مضاف محلاً منصوب است نا مفعول رفع هم کله اضافه شد
نور العلی العمل مضاف الیه واصلی واو واو عاطفه اصلی فعل ضمیر
فاعل علی حرف جر نبیک مضاف مجرور بعلی جار با مجرور ظرف
لغو متعلق باصلی نا مفعول واسطه لهم کله اضافه شد نبی ک مضا
ف الیه محمد عطف بیان ست از برای نبیک واو واو عاطفه واله عطف
بر نبیک اضافه شد نبی لو ک مضاف الیه المنبی اسم است معرف
به الف لام صفت است از برای آله لهم لام حرف جر هم مجرور
لام این جار با مجرور ظرف لغو متعلق باصلی نا مفعول

واسطه لهم باشد کرامة مضاف مفعول است از برای اصلی اضافه شد
نور المحل المحل مضاف الیه صالح العمل در اصل العمل صالح لهم است
صالح صفت العمل موصوف اضافه موصوف نور صفت جار بر تنهی لهذا مقد
ا از صفت جمع کردیم و مقدم کردیم بر موصوف صالح العمل شد
ال مهملعند ابل منکم عهد ملو از اهی خاص است بعض اشخاص مخصوص
را گویند واهی عمیت چونکه در اینجا ملو از الحوا اهی است مخصوص
بمعنی ابو از این جهت ال گفته این گفت نحو اما بعد لهی نحو لغو
قصد شد جانب مقدار نوع   × نحو نا نحو دارک یا حبیب   × لقیا نحو الف
من رقیب   × وحیرتا هم حیا نحو کلب   × تمثو مثل نحو من شرب

اما بعد النحو علم باصول تعرف بها احوال اواخر الکلمات اعرابا وبناءً
الکلمه اسم وفعل وحرف وهی اما تعمل او تعمل یعنی این کلمه یا عامل یا معمول
او تعمل و تعمل چنانکه عمل میکند و با معمول که واقع میشود او تعمل ولا تعمل و یا اینکه نه
عمل میکند ونه معمول واقع میشود از آن کلمه سیصد نحو بر سبب فتنه کمال عن مبعوث
فنا سیصد لسی کماحته اران عوامل هلفت است سیزده فی نحو است
حسرت فنا سیصد از آن عوامل هفت قسمت و نحو لغو ماذکر عیانه
عوامل ادوان ره میگیم لو اینکه عمل آنها با عمل عوامل لغو اله
تعالی وخوب دل ضوق و به اراده خدا باری کریم

[illegible] رجال [illegible] مفرد [illegible]

جمع مکسر [illegible] رجل [illegible] مفرد [illegible]

رجال و در اصل [illegible] جمع [illegible]

[illegible] الفعل و اللام [illegible]

رجال و در اصل [illegible] الفعل [illegible]

[illegible] اسم مفرد [illegible] تعریف [illegible]

[illegible] رجل [illegible] اسم [illegible] تعریف [illegible]

[illegible] اعتبار [illegible] از فعل

[illegible] فاعل [illegible] مفرد [illegible]

[illegible] اسم [illegible] فاعل [illegible] تعریف [illegible]

[illegible] قاعده [illegible]

[illegible] علم [illegible]

[illegible] اجتماع [illegible]

[illegible] فعل ماضی [illegible] مضارع [illegible]

[illegible] الفعل [illegible] عین الفعل [illegible]

[illegible] مجرد [illegible]

[illegible] حرکت [illegible] عین الفعل [illegible] فاء الفعل [illegible]

صیغه [illegible] فاء الفعل [illegible] الفعل [illegible]

[illegible] لام الفعل [illegible] عین الفعل [illegible]

[illegible] لام الفعل [illegible]

[illegible] مفردات [illegible] مجرد [illegible]

[illegible]

[illegible] چون بلبل [illegible]

[illegible] زار [illegible]

[illegible] الی یوم الحساب

افتاد اندر غم [illegible]

زان شمشیر و جفا [illegible]

گشته در خون غوطه‌ور [illegible] ام الکتاب

[illegible]

[illegible]